

جهان‌شناسی محمد بن زکریای رازی

ایرج نیک‌سرشت^۱، رسول جعفریان^۲، عبدالله فرهی^۳

چکیده

رازی در جستجوی گوهر هستی با گرایشی پیشینی‌انگار به جواهر پنجگانه باری (خالق)، نفس ناطقه، هیولا (ماده)، زمان مطلق (دهر) و مکان مطلق (خلاء) اعتقاد داشت. او در تبیین فرایند خلقت بواسطه چهار قدیم در کنار خداوند، با پیش کشیدن نقش جهل نفس در تمایل به ماده تعلق اراده الهی را بر امر خلقت توجیه نمود و اثبات کرد که آفرینش جهان به اراده است نه به طبع. به باور وی، این تنها انسان است که میتواند بمدد فلسفه باواسطه عقل دوباره نفس را از آلام و آفات ماده رهایی بخشد و به سعادت و فلاح بازساند؛ ولی با این تفاوت که دیگر نفس به ماده میلی پیدا نخواهد کرد. رازی قائل به امکان فساد و تغییر در اجسام و در نتیجه، جهان خلقت بود؛ حتی اگر این جسم گوهری زمینی یا گوهری فلکی باشد. او اجسام را متشکل از دو جوهر هیولا و خلاء می‌شمرد و معتقد بود که جواهر دارای حجم و ازلی هستند. بر همین اساس، وی به ترکیب و بی‌نهایت بودن ذرات باور داشت و منکر ابداع و خلق از عدم بود. کیفیات عناصر اربعه و افلاک سماوی از قبیل

۸۱

۱. استادیار دانشگاه تهران؛ nikseresht@ut.ac.ir

۲. استاد دانشگاه تهران؛ ras_jafarian@yahoo.com

۳. استادیار دانشگاه مذاهب اسلامی (نویسنده مسئول)؛ a.farahi@mazaheb.ac.ir

تاریخ تأیید: ۹۷/۲/۱۹

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۱/۱۷



سبکی و سنگینی، روشنی و تاریکی، نرمی و سفتی و مانند آن هم از نگاه وی، ناشی از میزان حجم و شمار اجزاء خلأئی بود که در میان جواهر هیولا نفوذ میکرد. در ضمن، او به مرکزیت و سکونت زمین اعتقاد داشت و فلک و بتبع آن خورشید و دیگر کواکب را بواسطه توازن اجزاء هیولا و خلأ درون آنها دارای حرکتی دورانی میدانست. رازی جهان را حادث و وجود جهانی دیگری را هم ممکن میشمرد. او خلأ و ملاء را در قالب مفهوم مکان کلی بیکرانیهی که وابسته به جهان نیست، توضیح میداد و ورای آن را هم فضا معرفی میکرد.

کلیدواژه‌ها: محمد بن زکریای رازی، جهان‌شناسی، قدمای خمسه، پیشینی‌انگاری

* * *

مدخل

بسیاری از پژوهشگران همواره تلاش کرده‌اند تا اصالت علم اسلامی را بویژه در میانه علم یونانی و علم جدید غربی مورد بحث و مناقشه قرار دهند. شاید یکی از مهمترین پژوهشها در این زمینه مقاله‌یی متعلق به پینس با عنوان «اصالت علم اسلامی در چه بود؟» باشد. او در این پژوهش به سه رهیافت اساسی دانشمندان مسلمان درباره نظریه طبیعی اشاره کرده است: ۱) گرایش فیلسوفان مشائی (شامل دانشمندانی همچون فارابی، ابن رشد و با اندکی تسامح ابن سینا) که گرایش غالب بود. ۲) گرایش پیشینی‌انگاران (با تأکید بر آراء محمد بن زکریای رازی، ابوالبرکات بغدادی و فخرالدین رازی). ۳) گرایش ریاضیدانان (با اشاره به اندیشه‌های ابن هیثم، بیرونی و خازنی). باعتقاد او، حاکمیت طبیعیدانان ارسطویی و عدم توانایی مسلمانان ۸۲ در ارائه الگویی جایگزین را بیش از هر چیز بایستی در عدم توانایی دانشمندان مسلمان در صورت ریاضی بخشیدن به مفاهیم پیشینی از زمان و مکان جستجو کرد؛ امری که هیچگاه در جهان اسلام تحقق نیافت، ولی در غرب موجب پیدایش فیزیک گاليله - نیوتنی شد.^(۱) با توجه به محوریت رازی در این رهیافت پیشینی‌انگاران که با حساب و هندسه میانه خوبی نداشت و عدم انجام کاری مستقل درباره جهان‌شناسی او، ضرورت پرداختن هرچه بیشتر به آراء این اندیشمند مسلمان بیش

